

مجاهد شهید

محمد مفیدی

بمناسبت سالگرد شهادتش

نهضت آزادی ایران (خارج از کشور)



محمد مفیدی

خرداد ماه ۱۳۲۷ - دیماه ۱۳۵۱

www.KetabFarsi.com

زندگینامه

برادر مجاهد شهید سید محمد طبیبی در ۱۶ خرداد ۱۳۲۷
در سحرگاه روز بهشت در شهران قتل شد • لدانام " محمد "
را بر او نهادند • در ۱۳۳۴ بعد از سه رفت و در ۱۳۴۶ از دبیرستان
دارالفنون در رشته طبیعی فارغ التحصیل شد • در دوران
دبیرستان ، در طی جلسات اسلامی که در منزل پدرش مدکتر
سید ابراهیم طبیبی - که خود جلسات تفسیر قرآن داشت با
اسلام و جهان بینی اسلامی آشنا شد •
در مسائلی که آخر دبیرستان با مبارزین نهضت آزادی ایران آشنا
شد و پیش از آن اسلامی او بعد از پدید آمدن • برای او دیگر
اسلام فقط يك " مذهب " نبود ، بلکه يك خطر زنگنه انقلابی گردید
يك سلاح عقیدتی برای نجات انسانهای محروم گردید •
در همین موقع بود که برادران محمد که از فعالین نهضت آزادی
ایران بودند به زندان افتادند • محمد از همین زمان به معرفت
به مطالبات سیاسی و اجتماعی پرداخت • محمد در دوره عالی
ترجمه قبول شد • اما برگزینی برای او معنای دیگری پیدا
کرده بود • ابتدا يك دوستان همفکرش به تشکیل جلسات -
اسلامی پرداخت و در ضمن برای امرار معاش شروع بتدریس
نمود • در فعالیتهای اجتماعی خود ، محمد توجه عمیقی داشت
که ساعتها در دل مردم گوش بدهد در طی دوران دبیرستان

علاقه داشت که ساعات فراغت خود را با همسالان بی بضاعت خود بگذراند • با آنها در خانه امیوودند و با او در خانه آنها •

محمد علاقه و آفری داشت که مرتب به روزشکاهها و تیم خانه ها برود و ساعتها با آنها در سخن بدهد • محمد سعی میکرد رنگ غم از چهره آنها بزداید و در ضمن آنها را با حقایق زندگی و جریاناتی که در اجتماع میگذرد آشنا سازد • اما این فعالیتهای نامتوانمت و نتوانمت روح حماس پرشور و انقلابی او را که متأثر از مینش عمیق اسلامی او بود قانع نسازد • لذا وقتی در طی جلسات اسلامی با برادران مجاهد شهید محمد باقر عباسی و احمد رضائی آشنا و هم‌زمان مجاهدین خلق دعوت شد ، بلافاصله با آنها پیوست و کار انقلابی خود را آغاز کرد • اینجا بود که محمد جان تازه ای گرفت و زندگی جدیدی را شروع نمود • از این پس عباسی و مفیدی بدافعه تلاشهای انقلابی خود افزودند • در چندین سفره از عملیات جهاد مسلحانه مشترک شرکت کردند و موفق به پیروزی آمدند و همین تجربه آنها در عمل و موفقیتهاشان باعث شد که مأموریت اعدام انقلابی مرتیب جنایتکار طاهری با آنها محول گردید که با موفقیت آنها انجام دادند و کلاه و اسلحه کمربط طاهری را نیز به غنیمت بردند • مفیدی در واقعه آب منگل شرکت داشت و توانست با مهارت در حالی که گلوله های مأمورین دشمن را با گلوله جواب میداد از معرکه فرار کند • اما حدود یکماه بعد صبح روز ۲۲ شهریور ۵۰ توسط جلادان رژیم دستگیر شد • در فاصله دستگیری و اعدام چندین بار وسیله در زخمیان شکنجه شد • پایش شکست چشمش آسیب دید ولی مقاومت کرد • پیکر خونین

اورا پس از شکنجه با این سووآنسو میکشیدند! اما باز هم مقاومت میکرد
 مقاومت و سرسختی محمد که نه حاضریتسلیم و نه معرفی همکاران
 خود شده بود شکنجه گران را بهستود آورد. شدت خشم و زخمها
 از او همین پس که در تمام جلسات قبل و یا بعد و یا طی بیدادگاه
 نظامی اجازه ندادند افراد خانواده اش با او ملاقات کنند.
 هنگام محاکمه فرمایشی با بعد از آن مادران این دو شهید -
 جاودان (مفیدی و عباسی) روزهای متوالی در انتظار يك
 نگاه ، يك دیدار حتی آخرین بار ، پشت میله های بیداد رسی
 وزندان گذراندند ولی توفیق يك لحظه دیدار هم دست نداد
 زیرا در زخمیان با کمال شقاوت این دو ماد ریسر و فرسوده را پشت
 میله ها و کنار دیوارها در انتظار نگه میداشتند ولی هنگام عبور
 فرزندانشان آنها را با شدت میراندند و راه عبور این دو شهید را
 تغییر میدادند. در سحرگاه پنجشنبه ۲۱ دیماه ۱۳۵۱ بموجب
 دستور شاه جلاد حکم اعدام آنان بدست در زخمیان عملی شد
 و خون این دو شهید زمین سرد پادگان نظامی را گرم کرد.
 مادران غمگین و خواهران و برادران محمد با شهادتی عجیب
 شهادت برادر و فرزندان جوان و هرمنند خود را تحمل میکنند. مجاهد
 شهید محمد مفیدی رفتاری بسیار متین و موقر داشت. با وجود
 جوانی در پیش آمد هاتعدادل و خون سردی خود را سخت حفظ
 میکرد. او از خصوصیات بارز انسانی برخوردار بود. و در جریان
 جهاد پر شور خود این خصائص را بنحو احسن تکامل بخشید.
 سختیها را بسیار تحمل بود مخصوصاً در جریان شکنجه ها.
 بنقل از برادران زندانی که از پشت سوراخ سلولهای خود،

کشیده شدن بدن خونین او را در راهروهای شکنجه گساره
 " کمپته " میدهند و فریادهای او را برای تشجیع پیران
 و رفقا بهارزه و تحمل شکنجه ها می شنیدند . (کمپته زندانی
 است جنب شهر یانی کل کشور تحت نظر ثابتی بهائی مقام
 امنیتی و چند نفر دیگر از اعضای اطلاعات و ضد اطلاعات ساواک
 و شهر یانی) محمد قرآن را بسیار خوب میدانست صدای قرآن
 او هنگام شکنجه زیانزد رفقای زندانی اوست .
 در خیابان شاه عباسی و مفیدی را گنفتند . اما هرگز نتوانستند
 آنها را بتسلیم وادارند . دشمن مجاهد را بمرگ تهدید میکند
 اما برای مرد مجاهد شهادت در راه عقیده سعادت است .
 و سعادت عاقبت مرد مجاهد است .
 سلام جاودانه بر روح پاک و تسخیرناپذیر مجاهد شهید سید
 محمد مفیدی .

متن دفاعیه مجاهد شهید سید محمد مفیدی

بسم الله القاصم الجبارین

بنام خداوند درهم گوینده ستگـران

شغل : مجاهد

تابعیت : خلق ایران

الذین یبلنسون رسالات الله و یفشونه و لا یخشون الله الا الله
کسانیکه رسالت‌های خدائی را میرسانند و از او پروا دارند و از هیچکس جز
خدا و اهمای ندارند

اولین مسئله‌ای که باید من در اینجا بان اشاره کنم انگیزه‌ام از مبارزه مسلحانه
و قهرآمیز است که بعنوان تنها راه رهائی خلق از ظلمت مجاهدین خلق
ایران انتخاب گردیده ، می‌باشد .

تقریباً در دوره دوم دبیرستان بود که همراه با چند تن از رفقای جلساتی
برای بررسی مسائل اقتصادی تشکیل دادیم . در آن روزها بر حسب تفکر آن روزی
- ام دید صحیح نسبت بمسائل اجتماعی کشورم و فقر و ستم حاکم بر آن نداشتم
فکر میکردم با کمک فقرا و نوازش کردن کودکان یتیم و نصیحت کردن به ولگرد ها و
بیکاران انبوهی که همیشه در شهرها وجود دارند ، کارها درست میشود این بود
که باتفاق دوستانم پیوسته در صدق انجام کارهای خیری از این قبیل بودم و لسی
پس از مدتی این روشها را بیفایده یافته و احساس کردم برای از بین بردن فقر و
ستم باید عامل اصلی آنرا نابود نمود والا مبارزه با معلول بدون از بین بردن علت
فایده ندارد . از این پس بلزوم مطالعه و تفکر منظم و مدون پی بردم . این
مطالعات مرا بلزوم گرایش بیک جهان بینی علمی و انقلابی واقف نمود با افزایش
میزان آگاهی و ادراک باید ثولوزیک ، جهان بینی اسلام را که قرآن نمودار آنست
انتخاب کرده و عمیقاً بآن گرایش پیدا کردم . این جهان بینی در اساس حرکت
مداوم جهان را در طریق تکامل تعیین میکند حرکتی پر شتاب و لایتناهی بسوی
سرانجام ابدی و مطلق . " والی ربك منتهیها " دینامیسم این حرکت در زمینه

اجتماعی ناشی از تضاد و درگیری مداوم حق و باطل است که در غالب نیروهای تکاملی و انقلابی طبقات تحت ستم و استثمار، در برابر نیروهای ضد انقلابی طبقات مستر و استبدادگر تجسم میابد. که اگر مستمران را بوسیله نیروهای تحت ستم دفع و نفی نمی نمود، مرکب تکامل از حرکت باز ایستاده و تباهی و فساد عالم گیر میگردد " و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لفسدت الارض؛ بنابراین فشرده اغتفادات اجتماعی قرآن در تضاد بین حق و باطل خلاصه میشود و حسی مظهر نیروهای نوین پایدار و روبه رشد و باطل تجسم ارتجاع و کهنه پرست است. سیر تاریخی بشر بازگوکننده امحاء تدریجی باطل از صحنه جهان است " ان الباطل کان زهوقا " لیکن اسحا" باطل و کهنه و استوار حق و پدید آمده " نو" در تاریخ انسانی بعلمت ویژگیهای انسان باید آگاهانه و ارادی باشد و همین نکته مشخص تکامل انسانی از تکامل حیوانیت که رسالت و مسئولیت عظیمی است انسان را تشکیل میدهد. بنابراین مشی آفرینش در این مورد چنانست که نیروهای حق باید آگاهانه و بطور ارادی بمصاف توای باطل رفته و با آنها پنجه درافکنده و نابودشان سازند. " بل نقذف بالحق علی الباطل فید مغه فاذا هو ذاهق" (انبیا' - ۱۸) حق را بر باطل میافکنیم تا خردش سازد و سپس باطل از بین رفتنی است.

پنجه درافکندن حق با باطل الزاما همراه با جنگ و خرنرزیست قسرا آن روشهای تسلیم طلبانه و سازشکارانه را قاطعانه نهی میکند " و لا تقبلوا صلواتا الا علی السلام و انتم الاعلون " . . . " پس سستی نوزید و به تسلیم و سازش نخوانید حال اینکه شما در راه برتر هستید. به طبقات ستم زده بخاطر سستی که با سهارمه اجازه جنگ میدهد: " اذن للذین یقاتلون بانهم یظلموا " و ما ار این وسوع قاعده عام تعیین کننده روابط مستر و ستم زده را نتیجه میگیریم که: فاذا لقیتم الذین کفروا فحرب الرقاب حتی اذا اتخنتهم بشدرا الرنابق " بهنگام تلاقی و بر خورد با حق یوشان زدن گردنهای آنها واجبست تا اینکه آغشته بحونسنگان سازید (کاملا محو و نابود شوند) و سپس سخت ببندشان بکشید . . . و اما وضع کشور ما و نیروی باطل و دست سنا ندهای که بر آن حاکم میکنند و ضرورت مبارزه علیه آن بقدری روشن و بدیهیست که چندان نیازی بتشریح

و توضیح ندارد . قبلا در همین دادگاههای فرمایشی در حالیکه برادران مجاهد
 دن بر صندلی اعدام نشسته بودند بقدر کانی همه چیز را در مورد فساد رژیم
 حاکم و نتر و دستم زدگی و حروریت توده های مردم بازگو کرده اند و با اینکه
 دژخیمان آریامهری با انواع شکنجه رهنماید از انتشار مطالب سری دادگاههای
 نظامی جلوگیری میکنند لیکن خورشیدخانه ملت تهران ، هوشیار بر از آست که نداند
 در پس این درهای بسته چه میگذرد و چه گفته میشود بویژه این گفته ها و بیان
 آلام و درد هائیت که خلق ما از کلیه آنها یکنشاخت حس و عینی دارد .

براستی چطور میتوان ساکت نشست و مبارزه نکرد در حالیکه هموطنان
 ما در بسیاری نقاط کشور بعلت قحطی و فقدان مواد غذایی آب و علف میخورند
 و همه میدانند که ترکمن صحرا مرکز است برای هموطنانیکه از شدت تنگدستی و
 فقر همه چیز خود را رها کرده و بآنجا کوچ کرده اند . یکی از برادران ما تعریف
 میکرد که بچشم خود فروش یکن دختر روستائی را در جنوب بقیمت ۵۰ تومان توسط
 پدرش مشاهده کرده است . نباید تصور کرد که فروشنده احساسات و مهر پدری
 را فاقد است . بلکه مسئله اصلی شدت فقر و تنگدستی کشنده است که او را وادار
 میکند دختری را که نمیتواند نان و پوشاک بدهد بفروشد .

راستی وقتی کشور ما در شمار بزرگترین صادرکنندگان نفت است و امپریا -
 لیستها هر ساله میلیونها تن از نفت ما را غارت میکنند چطور میتوان ساکت بود و
 میارزه نکرد ، در حالیکه قیمت نفت در روستاهای کشور تا چندین برابر قیمت رسمی
 آن میرسد و همه ساله تعداد کتیری از هم میهنان ما در اثر سرما تلف میشوند
 همان سردمیکه گویا انقلابشاهانه از کلیه مواهب برخوردارشان کرده و بشکرانسه
 این نعمات نادیدنی ! هر روز باید اجبارا برای جشن جدیدی آماده
 شوند و با زعم بار سنگین تری را متحمل گردند .

يك گردش کوتاه در جنوب شهر تهران کافیت تا آثار پیشرفتهای دهساله
 باططلاح انقلابی رژیم را با خوبی روشن سازد . براستی فقر و فحشاء در شهرها
 و روستاهای ما بیداد میکند . هزینه های سنگین و کمر شکن نظامی و پلیسی
 مضافا بر غارت بیحد و مرز منابع ما توسط بیگانگان که از مزایای کاپیتولاسیون
 تحمیلی استفاده میکنند تاب و توان مردم را پاتنها رسانده و جانیشان را بلبیب

آورده است لیکن باز هم شاه در چنین شرایطی دم از انقلاب و آزادی میزند پس چه کسی کاپیتولاسیون را امضاء کرده و امریکائی دزد و جنایتکار را که امروز از تمام دنیا مثل سگ ها را با تف و لگد بیرون میکنند بر جان و مال ما مسلط ساخته است؟ پس کی زندانها را مملو از پاکترین جوانان این آب و خاک ساخته و مرتباً

محکومتهای طولانی صا در میکند ؟

پس چه کسی گروه گروه احمد زاده ها ، مفتاحی ها ، حنیف نژادها ، بزرگانیها ، مشکین قامها و بدیع زادگانها و عسکری زاده ها و میهن دوست ها و نظایر ایشان را بیای جوخه اعدام میفرستد ؟ این قهرمانان مبارز جز با کسی و آزادی و سراسر فداکاری و میهن پرستی چه گناهی داشته اند ؟ اینها جز خلق و آرمان خلق چه هدفی داشته اند ؟

در حالیکه کمبود فاحش مواد غذایی چهره عای میلیونهای ایرانی را زرد و زبون ساخته رژیم چطور میخواهد با بزرگ کردن چهره شهرها و یکمشت فسواره و چراغ و بادکنک تراز نامه منفی ننگین خود را مثبت جلوه دهد ؟

وقتی زمین دهقان خوزستانی را بزور غصب کرده و برای طرحهای ضد ملی گشت و صنعت به سرمایه دار امریکائی و شرکای ایرانیش داده اند ، وقتی کشاورز ایرانی میبیند که از این سد دز که اینهمه در اطرافش تبلیغات کرده اند نسبه آبی دارد و تازه زمینش را گرفته اند و یکمشت ارادل ساواکی و غیره را هم بر او مسلط کرده اند که نتواند دم بزند چطور میشود از پیشرفتهای دستاوردهای انقلاب سفید صحبت کرد ؟ واقعا خیلی وقاحت میخواهد که آب را امریکائی بگیرد و برق را کارخانه نورد شاه و علی رضائی ، وضع نفت و ماهی و جنگل ها هم که مشخص است و دهقانان کتک خورده که تا چانه در قرض و وام فرو رفته تازه باید بخاطر آنچه انقلاب با و عرضه داشته مخارج جشنها را بپردازد و هورا هم بکشد عجیب است که آنوقت بخاطر حفظ همین امنیت و آزادی ! و برخورداری از مواهب انقلاب سفید و بخاطر جلوگیری از تهدید بیگانگانیکه گویا نمیتوانند به روزی ایران و ایرانی را ببینند مخارج و هزینه های يك سیستم فوق العاده ، عرض و طویل نظامی و پلیسی هم باید بصورت انواع مالیات و عوارض برگرداند این ملت فقیر تحمیل شود و باین ترتیب هر سال میلیارد ها تومان صرف خرید اسلحه

و فانتوم و بمب و موشک و ناوشکن و غیره میشود که مبادا آزادی این ملت تهدید شود !

لابد فانتومها و ناوشکن و ساواک میخواهند بنگاههای خرید خون را از تجاوز بیگانگان محفوظ بدارند مبادا در عصر انقلاب کسی بکوقت بیاید و در نظم صفوف بهم نشورد ایرانیان شاهدوست ! و وطنپرستی که در پشت این بنگاهها بانتظار ایستاده اند اخلاص کند . آخر آنها برای اسرار مماش خود مجبورند یا آزادی و اختیار هفتهای چند بار برای چند تومان خون خود را بفروشند و کسی نباید مزاحم این آزادی اعطائی انقلابی شود . کسی نباید مزاحم دختران دهکده زلزله زده کاخک بشود که از فرط بیچیزی و اضطراب شهرها سرازیر شده و بفحشاء تن داده اند . دخترانیکه قبل از زلزله هر یک عنبر خانواده ای بودند ما از رژیم صیروسیم دیگر بالاتراز سیاهی چه رنگی است ؟ مثلا اگر شما نبودید و فانتومها و ساواک و دژخیم و ناوشکن شما نبود چه میشد ؟ وانما فرض کنیم همان دشمن خیالی که شما مردم را از تعرض او میترسانید ایران را میگرفت ، در آنسورت چه میکرد که شما نکرده اید ؟ خودتان جواب بدهید که آیا هیچ امکان یا جایی را در ایران گذاشته اید که بدان تعرض نشده و باصطلاح خودتان از مزاحم شاهانه و فیوضات انقلاب ! در امان مانده باشد ؟ البته بدین

است که این آزادی و اصلاحات پویشالی که شما اهدا میکنید از قماش همان آزادیها و اصلاحاتیست که امریکا و وان تیو و کائوکی برای ملت ویتنام بارمغان آورده اند و البته از وقاحت و بیشرمی و حرامزادگی امپریالیزم و سگهای زنجیریش بعید نیست که در اوج بمباران و اعدام و شکنجه خلق از کشتار ۱۵ خرداد و کشتار کارگران کارخانه جهان چیت گرفته تا قتل عام دهکده های لای (ویتنام) و آتشزدن و چپاول اردوگاههای آوارگان فلسطینی بازهم خود را منادی صلح و پاسدار آزادی بخوانند ! در این میان یکی دوسالیست که رژیم ایران مواد انقلابی را در همان ۱۲ تا ثابت نگهداشته و افزایش نداده است اینست که من شما راهنمائی میکنم که مبادا آوردن اصول جدید را فراموش کرده و مردم را از این نیات بلند ! ! محروم نمائید .

تعداد این مواد انقلابی که تا عدد ۲۵۰۰ که بین ناله های مستماری شاهان خودکام است میتواند افزایش یابد لااقل تا تعداد اعدا میهای

هر سال شما میتواند اضافه شود و اگر این هم زیاد است عدد مسافرت‌های تفریحی سردمداران رژیم را بخارج برای سیاحت در کاباره های پنگه دنيسا و قمارخانه های آن را که الهام بخش اصلاحات انقلابی شماست فراموش نکنید این بود شمه ای از وضع داخلی کشور که هر دردمندی را بمبارزه دعوت میکند . سياست خارجی و موضع بين المللی رژیم نیز دست کمی از اوضاع داخلی ندارد و کشور را بصورت یکی از اجزاء سياست ضد انقلابی امپریالیزم یانکی در این منطقه در آورده است رژیم ایران در جنگ ژوئن به صهیونیستها نفت و بنزین میدهد تا با فانتومهای امریکائیشان بسر برادران و خواهران عرب مسلمان مسانداپالم و بمب ففري بریزند .

امپریالیزم امریکا بیاری عروسکهای دست نشانده اش میهن ما را بیک پایگاه ضد انقلابی تبدیل نموده و از ظفار تا یمن همه جا بسرکوبی انقلابیون کمک میکند مگر در همان جنگ اخیر اعراب و اسرائیل نبود که وقتی اعراب جریان نفت را به غرب قطع کردند رژیم ایران تقریباً تمام نفت مورد احتیاج امریکا را از منابع مسانداپالم کرد . آخر چرا پایگاه وحدتی دزفول باید محل تمرین و کارآموزی خلبانان اسرائیلی باشد ؟ برادران مجاهد ما که در فلسطین تعلیمات جسریکی دیده و در نبردهای عمان در کنار رزمندگان الفتح بودند مدارک و اسناد انکار ناپذیری را از شرکت رژیم ایران و عناصر مزدور روس علیه جنبش فلسطین مشاهده کرده و بعداً نیز همدستی رژیم ایران و ملک حسین برای ما قطعی شد . اکنون در سایه این اشارات بخوبی میتوان مفهوم سياست مستقل ما را درک کرد . دیکتاتوری بفرهنگ ملی ما نیز تجاوز کرده و هنرمان با تزریق و تشویق فرهنگ فاسد سرمایه داری غربی کلمات را نیز از محتوی واقعیاتان تهی کرده است .

براستی وقتی مبارزان جان برکف و صدیق ترین فرزندان خوار ما (کسب انواع شکنجه ها را در راه آرمان خود تحمل کرده و بر چوبه اعدام برسه بزنند) در تبلیغات مزورانه رژیم عوامل بیگانه خطاب میشوند ، رژیم در قاموس کلمات واژگونه خود از آنجا که نقطه مقابل آنهاست ، حق دارد خود را مستقل و ملی بخواند . در چنین شرایطی علیرغم آنکه دنیا به خفتان و استبداد حکم حاکم ایران و محاکمات فرمایشی اش دارد و به دادگاههای نظامی در سستد اعتراض میکنند طبیعی است که شما این دادگاه را صالح بدانید لیکن از نظر خلق یاد فرزندانی

راستینش و از نظر من که بعنوان متهم در برابر شما ایستاده ام این دادگاه بر طبق قوانین پوشالی مشروطیت کاغذی خود شما نیز واجد هیچ صلاحیتی نیست من يك متهم سیاسی هستم و باید هیئت منصفه در دادگاه حضور داشته باشد . لیکن ادعای رژیم آنستکه ایران ابدا متهم سیاسی ندارد . شما يك وكيل معلم الحال را بمن تحمیل کرده اید . اتهامات سیاسی هرگز در کشور رسیدگی محاکم سیاسی نیست لیکن همه میدانند که سلطه چنین دادگاههای در کنار بیدادگری نظامی و پلیسی ملازم با حیات این رژیم است . مسند مطهر قضاوت باید تکیه گاه متقی ترین افراد صاحب نظر و مطلع باشد ، بوسیله شقی ترین عناصر گوش بفرمان که بدون خدا حافظی از شخصیت مستقل و وجدان پاک خود محالست در پشت این کرسیها قرار گیرند ، اشغال شده ، اینان بدون اینکه از اطلاعات اجتماعی و حقوقی لازم برخوردار باشند به صرف بله قریان گویی و امتثال امر بر این مسند نشسته اند .

"ان الملوك اذا دخلوا قرية افسدوها وجعلوا اعزاه اهلها اذله وكذلک يفعلون" چنین است که پادشاهان وقتی بر دیاری مسلط شوند آنرا فساد می کنند و عزتمندان و صالحین آنرا ذلیل و خوار میدارند (و بالعکس) و چنین است رسم ایشان . . .

باین ترتیب است که کلمات استقلال و آزادی و صلاحیت نیز در چنین نظامی سر بریده و از مفهوم تهی میشوند .

ملاحظه میشود که امپریالیسم از یکسو با غارت منابع ملی ما و صدور بیعسای سرمایه و کالا و وامهای سنگین بهره اقتصاد و تولید ملی را فلج کرده و از توان انداخته است و با کمال بیشرمی صنایع مونتاژی پوشالی را بنام صنعت ملی بمساحتحول داده و بیش از پیش بر بهره کشی از کارگر ایرانی می افزاید . انحصارات داخلی و سرمایه داری وابسته به خارج بسرعت بر کلیه شعب تولیدی از سیگار و کفش گرفته تا لوله سازی و ماشین سازی مسلط میشوند و تولید کنندگان خرده پارا از ورور خارج کرده و یا بنزیر مهمیز خود میکشند . باین ترتیب ما شاهد ورشکستگی های مدام و متعدد تولید کنندگان و فروشندگان میباشیم . وقتی صادرات ما چندین برابر کمتر از واردات است یعنی نیازهای ما را اقتصاد امریکا و آلمان و انگلیس و . . . بر آورده میکنند ، بنابراین پول نفت را وصول نکرده باید بابت

اسلحه و جنس و بهره و ام بخودشان برگردانیم و در عوض خودمان بیکار بگردیم و گرسنگی بخوریم . تجاوز امپریالیزم و رژیم دست نشانده اینست . سرمنشیان تضاد های اجتماعی و تضاد های درونی مردم ما و از اینجاست که آمار جرائم و فحشا ، انتحار و دزدی دائما بالا میرود . از سوی دیگر امپریالیزم تنها بفشارت زیر بنای اقتصادی ما قناعت نکرده و با انبوهی از توطئه های ناجوانمردانه به تخریب فرهنگ ملی ما پرداخته است زیرا با وجود يك فرهنگ سالم نمیتوان در جامد های رسوخ کرده و آنها را با انحطاط کشانید و برای راهزنی و چپاول آماده کرد اقتصاد مصرف ، زندگی تسطی ، انگیزه های کودکانه مادی ، گسترش اعتیاد اتاناز طریق کاخ جای جوانان و مطبوعات رنگارنگ همه و همه هدایای این فرهنگ امپریالیستی است که رژیم حاکم ایران مشوق آن میباشد . تعجب آور است که با این احوال مبارزین پاکباز راه آزادی در تبلیغات رژیم منحرف قلمداد میشوند ؟

کیست که با پول ملت فقیر جشن بپا میکند و با افتخار میهمانان در برابر بینندگان تلویزیون با یکدنبای ادعای اسلامپناهی گپلاس شراب را سر میکشند و باین ترتیب دشمن قدار و بیرحم که نفس باطل در او مجسم است در نهایت خونخواری و ناجوانمردی که سراپا از دروغ و افترا ساخته شده با چپساول اقتصادی و فرهنگی خود راه کمال و تعالی را بر خلقهای جهان سد کرده و در اوج ترقی علم و صنایع هنوز مسائل جهانیان را در حد کمبود آب و نمان نگهداشته است . این وجود ناپاک بود سرشت امپریالیزم نام دارد که بسردمدار آمریکا و رژیمهای دست نشانده ای نظیر ایران وجود خود را بر خلقی ما تحمیل کرده است وجود یکه حق کشی و حق پوشی و ممانعت از راه خدا شیوه ذاتی او است . " الذن کفرو و صدوا عن سبیل الله اضل اعمالهم " آنانکه کفر ورزیدند و راه خدا را سد کردند اعمالشان ناپود شدنی است . باین ترتیب خلقها به عنوان تنها و تنها راه آزادی سلاح بدست میگیرند تا با آغاز نبرد مسلحانه به اسارت خود پایان دهند زیرا جز اسارت یا نبرد هیچ رابطه دیگری میان خلق ها و دشمن وجود ندارد . همه راههای دیگر با تلخی ورنج بسیار در طسول تاریخ و بویژه تاریخ معاصر میهن خودمان تجربه شده و امروز ما در نقطه تحول مبارزه اجتماعی خود بهره های تابناک بزرگی چون مدرس ، خیابانی ، کوچک خان

، صدق ، فاطمی و شهدای پانزده خرداد را مجسم میبینیم که از خلال تجارب تاریخی خود اندرز میدهند ؛ " انقلاب مسلحانه توده ای " اینطور بود که بعد از مدتی فعالیتهای سیاسی پراکنده ، تحقیقات مدون زیادی را آغاز نمودم و باین نتیجه رسیدم که یگانه راهی که بمنظور پیشبرد هدفم وجود دارد همانا نبرد مسلحانه است و بس . مضافاً براینکه با اصول و مبانی انسانی و آیدئولوژیکی که بدان اعتقاد داشتم نمیتوانستم تسلیم وضع موجود شده و برای رفاه خود و تنها خود بهرگونه زندگی تن دهم و بی اراده تماشاگر نظم ستگر حاکم باشم . بنابراین دلایل بود که نبرد مسلحانه را تنها راه نجات دانسته و لذا بسازمان مجاهدین خلق پیوسته و در نهایت افتخار در کنار رزمندگان دلیری نظیر احمد و مهدی رضائی بجهداد پرداختم . مردم قهرمان ما هرگز خاطره مجاهدان شهید محمد حنیف نژاد ، سعید محسن ، اصغر بدیع زادگان را که بنیان گذاران این گروه بودند فراموش نخواهند کرد . فرصت را غنیمت شمرده و در همینجا پروان پاک کلیه شهدای جنبش مسلحانه ایران درود میفرستم و در همین راه مسلحانه و بجهت اعتراض بحضور نظامی امریکسا در کشورمان بود که برادران مجاهد ما ژنرال پراس رئیس هیئت مستشاری نظامی امریکا در ایران را که یکی از هزاران امریکائی تجاوزکار و راهزنی که در کشور ما هستند ، بود هدف گلوله و بمب قرار دادند . همچنین بجهت اعتراض بفرهنگ امپریالیستی امریکائی بود که انجمن فرهنگی ایران و امریکا را منفجر نمودیم . انفجارات فروشگاه کوروش و فردوسی نیز خشم روز افزون مردم ما را نسبت ب سرمایه داری وابسته بخارج که کشور را بصورت مستعمره اقتصادی اجنبی در آورده است نشان میدهد انفجار مجله " این هفته " نیز مبین مقاومت ما در برابر رسوخ فرهنگ فاسد غربی است که مبلغ انحراف و بیپسوردگی و تخدیر نسل ما میباشد . بدیهیست که کلیه این عملیات و سایر عملیات جنبش چریکی تماماً در مسیر انهدام نهائی دشمن از طریق جنگ توده ایست و الا با نفی کلیه روشهای رفورمیستی و سازشکارانه هیچ اعتقادی در گیری با عوامل روینائی نداریم و این نبرد یست که تا محو کامل بهره کشی انسان از انسان ادامه خواهد یافت . تا آنگاه که باطل بتامی از سر راه فرزندان انسان برداشته و نابود شود .

"حتی لا تکون فتنه و یکون الدین کله لله" تا آنگاه که هیچ فتنه و فتنه

انگیزی بر جای نمانده و راه بتماهی برای خدا و خلق (خالی) شود .
 در اینجا لازمت راجع به موضوع اتهام خود یعنی اعدام ظاهری که عمل
 دیگری در مسیر نبرد توده ای ما و مبارزه علیه هیئت حاکمه و مزدوران آنهاست
 توضیح دهم . عناصر پلیس و ساواک و کلیه کما نیکه آگاهانه علیه مردم گام برداشت
 و در عملیات طرحهای ضد خلقی سهمی باشند اگر از وطن فروش و خدمت به
 اجنبی دست برندارند و اگر بخواهند همچنان پشت بخلق کرده و بخیانست
 ادامه دهند خلق نیز بآنان پشت کرده و بشد پدترین وجهی مجازاتشان خواهد
 کرد . این جنایت پیشگان باید بدانند که هرگز نخواهند توانست از دست
 انتقام خدا و خلق یگریزند . آنها در هر کجا که باشند دیر یا زود بکیفر اعمال
 ننگین خود میرسند پرونده زندگی و فعالیتهای عنصر جنایت پیشه و ضد انقلابی
 مزبور در دادگاه خلق مورد بررسی قرار گرفته و سرانجام با اعدام محکوم گردیده تا
 عبرتی باشد برای سایرین .

با آنکه اجرای حکم بلحاظ وسائل مورد لزوم اشکالاتی در بر داشت لیکن
 با اینهمه باتفاق یکبرادر جهاد دیگر آنها با موفقیت با تمام رساندیم تا دشمنی
 با خدا و خلق بی کیفر نماند . سپس اسلحه و گلاهِ خائن مجازات شده را با خود
 بیایگاه آوردیم .

طاهری قاتل اعدام شد ، تا همه خائنین و ستمگران بدانند
 که ولو هم چند روزی از جزای عملشان بگریزند لیکن عاقبت دست خدا و خلق
 آنها را بسزای سیاهکارهایشان خواهد رساند .
 اما اینکه چرا ظاهری را انتخاب کردیم ، دلائل فراوانی داشت . در جریان
 کشتار وحشیانه ۱۵ خرداد او در تمام معاونت پلیس تهران تیراندازی و سرکوب
 مردم بی پناه و بیگناه را هدایت میکرد . پس آیا نمیاید او را قصاص میکردیم
 قرآن بما فرمان میدهد : " و لکم فی القصاص الحیوه یا اولی الالباب " (بقره)
 ای اندیشمندان بر شما واجب شد خونخواهی بیگناهان .

حال نمیدانم باز هم پس از اعدام من آیا روزنامه های دست نشانده با ز
 خواهند نوشت و از من و سا زمان خواهند پرسید که اسلام کجا قتل نفس را جایز
 شمرده است ؟ من از آنها و اربابانشان میپرسم آیا این سؤال در آن نیمه

گرم خرداد ماه ۱۲ که مقارن عاشورای حسینی بود بذهن فاسد هیچکدام از فضیلتی شما خطور نکرد ؟ پس چرا مردم بی پناهی را که فریاد میزدند یا سید الشهداء ، یا اباشهدا ، را بگلوله بستید ؟

همین طاهری بود که در رأس گارد شهربانی بدانشگاه پورش برده و سر و دست میشکست ، راجع بزندگی و سیاهکاریهای او از آنجا که نیازی بنمرس ندارد ، توضیح زیادتر را در اینجا لازم نمیدانم فقط اگر دلائلی که تا بحضرت گفتم اهدام او را برای شما قانع کننده نمیکند تذکر میدهم که کارگران بیگناه کارخانه جهانبیت را بیاد بیاورید که چگونه آماج رگبار مسلسلها شدند . مگر آنها چه میخواستند ؟ آیا چیزی جز اخذ فیه دستمزد طلب میکردند ؟ پاسخ شما که مجازات خائنین را محکوم میکنید چیست ؟ لذا خنده آور است که رژیم که این روزها خیلی دم از اسلام میزند و قرآن و اسلام را برخ ما میکشد ، مگر قرآن نمی گوید که "انما جزاء الذین یحاربون الله ورسوله ویسعون فی الارض فساد ان یقتلوا ویصلبوا او تقطع ایدیه وارجلهم من خلف او ینفوا من الارض ذلک لهم خزی فی الدنیا ولهم فی الآخرة عذاب عظیم" (مائده ۳۲) همانا سزای کسانی که با خدا ورسولش بجنگ بر میخیزند و در زمین بفساد و انحراف میکوشند اینست که کشته شوند و یا بر دار کشیده شوند یا دستها و پاهایشان قطع شود و یا از آن محل بیرون رانده شوند . چنین است (شیوه مقابله با آنها) برای آنان خواری دنیا و کفر درد ناک آخرت مقرر گردیده است .

آیا دل این رژیم برای اسلام سوخته که اینچنین دم از اسلام میزند و اشک تمساح میریزد ؟ پس چرا کشور را بصورت پشت جبهه اسرائیل در آورده است و چرا سوخت هواپیما هائیرا تأمین میکند که بر سر مردم مسلمان عرب بپاشد و ناپالم میریزد ، برآستی کدام دولت اسلامی مثل ایران اسرائیل را برسمیت شناخته اند ؟ اگر این رژیم دم از اسلام میزند پس تبخیر حضرت آیت . . خمینی مرجع تقلید و پدر معنوی شیعیان جهان را چگونه باید تعبیر کرد ؟ پس تبخیر آیت . . مجاهد سید محمود طالقانی بید آب و هوا ترین نقاط کشور بحملت مطالبی که در تأیید مجاهدین فرموده بودند و ارتباط همکاری صمیمانه شان با این نهضت چه معنی دارد ؟ چه کسی مسلمان واقعیت ؟ رژیم فاسد اسرائیلی امریکائی ؟ یا مجاهد

— هدین جان برکفی که در يك دست تفنگ و در دستي قرآن مردانه با استقبال مرگ میروند ؟ شما که ادعای اسلام دارید پس دستگیری و شکنجه بیرحمانه این همه طلاب علوم دینی که نسبت بمجاهدین سبّاتی و همکاری داشته اند برای چیست ؟ پس این زندانهای طولانی و شکنجه های وحشتناك فرزندان اسلام چیست ؟ چرا خلیل طباطبائی مجاهد دلیر را که سوابق مذهبی در میان دانشجویان دانشگاه صنعتی مشهور است زیر شکنجه کشید ؟ پس این شلاقهای سیمی که آثار ضربات آن در تمام بدن ما دیده میشود و شوک الکتریکی و سوزاندن با منقل و کشیدن ناخن و ندادن غذا و مسامتت از رفتن بدستشویی در سلول — های شما برای چیست ؟

پس چرا به چشمهای ناصر صادق اسید پاشیدید ؟ پس چرا اصغرید بسع زادگان را تا مهره های پشت سوزاندید ؟ البته معاویه و یزید و هشام هم در حالیکه دستشان بخون ائمه و فرزندان پیامبر آلوده بود ادعای اسلام میکردند من نمیدانم که آیا یزید هم قرآن چاپ کرده بود یا نه ؟ معیارهای مسلمانی و اسلام نه در کاباره های اروپا و آمریکا بلکه در دل خلقهای ایران و در پرتو نور قرآن تعیین میشود . چه کسی باید در مورد ما قضاوت کند ؟ امثال آیت . . . خمینی و طالقانی که خودشان این راه را بنا آموختند ، یا رژیم ؟

در آخرین تحلیل ، خلق ایران خود میدانند که از میان دو جناح که در برابر هم صف کشیده اند کدامیک را برگزینند . یکی صف محمود عسکری زاده ، علی باکری ، رسول مشکین فام ، محمد بازرگانی و ناصر صادق ، محمود شامخی ، محمد رضا میر محمد صادقی ، محمد ایگه ای ، اصغر منتظر حقیقی و سایر شهداء و مجاهدین و دیگری صف والا گهرها و والاحضرتها و و تیمسار زاده ها و نیز فرزندان سناتورها و وزراء که نیازی به اسم بردن آنها نیست ، خلق خود بهتر میدانند که کدام صف حق است و کدام صف باطل . فقط متذکر میشوم که هنوز صدای شهادتین مجاهد شهید محمد حسین عالم زاده در لحظه شهادت در گوش ساکنین خیابان ایرانمهر طنین انداز است . بخود میبالم که بزودی بسسه برادران مجاهد شهید خود ملحق خواهم شد . پس چه بالكاگردشمن ما را مرتد بیدین ، منحرف و . . . بخواند و مرتجعین را با انواع اتهامات علیه ما

تحريك‌کنند . قضاوت نهائی از آن خلق است ، خلق قضاوت خواهد کرد که اسلام چه کسی ریائی و ظاهری است . اسلام امام حسین و پیروانش در صحنه نبرد مرگ و زندگی و یا اسلام معاویه و یزید و مظاهر آنها در بستر عیش و نوش کاخهای هسزگی . بگذاردم و دستگاه فاسد و پوسیده اوقاف هر توطئه و تحریکی را بر علیه مجاهدین طراحی کند . سرانجام هر حيله و مکر زشتی بصاحبانش برمیگردد .

" . . و مکر السی و لایحیو المکر السی الا باهله " (فاطر - ۴۲)

بزشتی مکر و حيله گری میکنند و مکر و حيله گری زشت جز باهلش نمیرسد . رژیم دست نشانده با علم کردن کمونیزم و مارکسیسم سعی میکند از کمسی اطلاع بعضی مردم نسبت به مارکسیسم و همچنین مجاهدین استفاده کرده و اذهان را نسبت به ما مشسوب کند . حقیقت اینستکه رژیم نه دلش برای اسلام سوخته و نه در فکر مارکسیسم است ، بلکه او از وحدت نیروهای مبارز درمیدان عمل وحشت دارد و مثل سال ۳۲ سعی دارد هر طور شده برای نجات خودش گروههای مبارز را از هم جدا کرده و تفرقه بیندازد . زهی خیال خام و باطل انقلابیون ایران چه مجاهد و چه چریکفدائی و چه سایر گروههای پیشتاز هشیار تر از اینها هستند و بخوبی از تاریخ گذشته پند گرفته اند ماکه باهم شکنجه شده و باهم اعدام میشوند بخوبی موضع مشترکمانرا در برابر دشمن احساس میکنیم . خون ما از بدن يكخلق میریزد و يكسرزمین را رنگین میکند و قلبمان برای يكسپهن میطپد . اما در مورد علت تیراندازی به پاسبان راهنمایش و فرود دیگری که ما را تمقیب کرده و قصد دستگیری مانرا داشت در اینجا کمی توضیح دهم . میدانید که ما برخلاف شما فقط بخاطر مردم میجنگیم بنا براین برایمان چیز محترم تر و ارزشمند تر از خلق و جان و مصالح او نیست . و همین نکته ایست که بارها دژخیمان شما را در موقع شکنجه بتمجبب واداشته است و از ما میپرسند: " آخر تو که فارغ التحصیل بودی ، تو که همه چیز داشتی تو که میتوانستی ترقی کنی و صاحب همه چیز بشوی پس چرا این کارها را میکنی ؟ "

البته در منطق و جهان بینی پست و ذلیل شکنجه گرواربابان خونخوار این چراها نا مفهوم میباند . لیکن برای يك انقلابی خواست آفرینش خواست خدا و خلق حلال مسئله است . تا هر بضاعتی را که دارد حتی جانش را - در این

مسیر بگذارد بنابراین ما علیرغم رژیم که ۱۵ خرداد را براه میاندازد و یا صریحا در روزنامه هاپش اعلام میکند که برای حفظ نظم و آرامش (یعنی فقط ادامه وجود خودش) حاضر بهر کار و جنایتی است . نمیتوانیم سرسوزنی از منافع خلق عدول کنیم . در سازمان چریکی یعنی مجمع آگاه ترین افراد یکه وجود خود شانرا فقط در خدا کردن آن بخاطر خدا و خلق میبینند کترین بی توجهی مردم و خواست آنها بشدت مجازات میشود . بنابراین مبادا کار ما را با بعباران هسا و کشتار بی امان مردم بی پناه فارس و کردستان و بلج که گویا از السواح افتخار این رژیم است قیاس کنید . کم نیستند افراد یکه بخاطر کمترین کمک پسه مجاهدین و سایر چریکها و حتی آشنائی و تماس با آنها بزند انهای تاویل محکم شده اند . اخیرا قانونی گذرانده اند که مسکن دادن به چریک مجازاتی در خور مجازاتی که برای چریک در نظر گرفته شده دارد و این همان رژیم است که برای افراد با اصطلاح بیگناهی ! که بدون هیچ جهت ! هدف گلوله ما واقع شده اند اشک تساح میریزد و شرح حال و عکس و تفصیلات مربوطه را در روزنامه ها وسیعا منتشر میکند . لیکن با چه به یاسبانهائی که برای خود شیرینی و استفاده از خانه و پولی که رئیس شهربانی در مقابل آدمکشی بانها میدهد مزاحم میشوند و چه بمأمورین لباس شخصی و عناصر دیگری که بانگیزه های مادی و خود پرستانه در برابرمان قرار گرفته و قصد دارند ، سه بار تمام در نهایت علاقه و صمیمیت هشدار و اخطار میدهم و اگر یک مأمور و یا فرد خود شیرین دیگر توجه نکند و بخواد عمدا در برابر راه خدا و خلق قرار گیرد و آگاهانه بجنبش انقلابی خیانت ورزد و بنیروی شیطان مدد کند بدون هیچ تردید فرمان خدا و بخواند خلق با و شلیک میکنیم . "الذین آمنوا یقاتلون فی سبیل الله والذین کفروا یقاتلون فی سبیل الطاغوت فقاتلوا اولیاء الشیطان ، ان کید الشیطان کان ضعیفا " . کسانی که ایمان آورده اند و در راه خدا کارزار میکنند و کسانیکه حق کشی و حق پوشی ورزیده اند و در راه ستمگر جبار میجنگند . پس بکشید کسانی را که بیماری شیطان برخاسته اند . همانا مکر شیطان سست بنیاد است .

تاتلین واقعی این افراد بازهم رژیم است ، تحریکات و اجبارات او است که مأمورین بیچاره را تسلیم مرگ میکند . علی (ع) هم در طول عمر خود خیلی هارا از دم تیغ گذراند . جنگهای جمل و صفین و نهروان و هزاران هزار کسانیکه در

خلال آنها بقتل رسیدند مشهور است: آیا مسئولیت این قتلها بعهده علی (ع) است یا آنها که فی الواقع این جنگها را برافروختند؟ پس بهتر نیست که رژیم بجای مشوب ساختن افکار عمومی و اینکه پشت سر هم عنوان میکند "فلان عابر بیچاره و بیگناه چه تقصیری داشت و . . ." پاسخ دهد که چرا مأمورینش در درگیریها بدون هیچ دلیلی بروی عابر بیگناه آتش میزنند؟ برآستی رژیم با کدام مجوز هموطنان ما را آماج گلوله های امریکائی که از تفنگهای ساخت اسرائیل خارج میشود قرار میدهد؟ بهر حال موضع مجاهدین خلق همان موضع قرآن و علی (ع) است: "فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدی علیکم" پس هرکس که بشما تجاوز و تعدی کند پس بمانند آنچه تجاوز نمود با او مقابله کنید . . . پیش از این من این دادگاه را صالح برای سخن گفتن نمیدانم و این سخنان حد اقل چیزی بود که علیرغم تمام قطع کردنها و اخطارهای رئیس که مطلقاً غیر قانونی هستند و حقوق متهم را برای دفاع از خودش نادیده میگیرد باید توضیح دهم که میدانم این دادگاه نیز مانند سایر دادگاههای فرمایشی دیگری است که در آن حکم اعدام برادران دلیر صادر شده است و من نیز از سرنوشت خود آگاهم ولی همانطور که سیدالشهدا (ع) بدشمن خود اتمام حجت کرد بشما میگویم، آخرین حرف خود را بشما میگویم.

"وان لم یکن دین، فکونوا حرارا فی دنیا اگر دین ندارید لا اقل در این جهان مردمی آزاد باشید."

آنچه باید در پایان اضافه کنم اعتقاد عمیق ما بپایان رنجها، درخشش مجدد خورشید از پس ابرهای تیره و تار، آزادی ایران فردا و پیروزی انقلاب مسلحانه توده ایست. نصر من الله وفتح قریب

بی تردید روزی دشمن و استثمار هر دو نابود خواهند شد و طبقه رنجبر بر سرنوشت خود حاکم خواهند شد. "ونريدان من علی الذین - استضعفوا فی الارض و جعلهم ائمه و جعلهم الوریثین" (تخصیر -) و اراده کردیم ما چنین است که برضعیفان و طبقات محروم در زمین برتری نهادیم و ایشانرا پیشوا (حکومت کننده) و وارث بگردانیم (بدست گیرنده مواضعی که ستمگران غصب کرده اند).

پیروزی خلقهای محروم ، نه یکشما راست و نه یکامید کاذب ، کلماتیکه برزسان
یکمحکم با اعدام جاری میشود با شعر و تمثیل و افسانه متفاوت است ، هرکس که
در چنین شرایطی قرار گرفته و با گامهای تیز بجانب جوخه اعدام رفته باشد درک
میکند که انسان در این شرایط باید عمیقا واقع بین و حقیقت گرا باشد ، پس این
امید بزرگ جوشش یکواقعیت جهانشمول است که در عمق مغز و قلب یکسجاهد
راه خلق جا گرفته و رساننده عظمت و شکوه لایتناهی مسیر آفرینش در راه توده -
هاست ، من در طنین گلوله هائی که چند صبحگاه دیگر بقلبم شلیک خواهد شد
غریب پیروزی محتمل انقلابسلحانه توده ای را دریافته و در آخرین لحظات بملت
قهرمانم تهنیت میگویم ، چراکه ما معتقدیم ، " هر مرگ در پیجه ایست که بر روی تبا
- همپا بسته میشود " ، پس با توجه بمرگهای انقلابی که در دو سال اخیر در
این مهین رخ داده بی تردید میتوان کم نمود که رستاخیز عظیم ملت ایران
آغاز شده و همچنان تا پیروزی ادامه خواهد یافت ، فسیعلموالذین ظلمواای -
منتقلب بقلبون ، و بزودی ستمکاران خواهند دانست که چگونه آنها را زیر و رو
میکسیم .

درد بر خـلق قهرمان ایران

مرگ بر امپریالیزم امریکا و رژیمهای دست نشانده اش

زنده باد همبستگی مبارزان خلق ایران و فلسطین و همه خلق

های مبارز دیکر

برقرار باد وحدت کلیه نیروهای ضد امپریالیستی در

میدان عمل

ضمانت

- ۱- طرح اعدام طاهری مزدور (از سازمان مجاهدین خلق)
- ۲- چرا طاهری اعدام شد ؟ (بیانیه سازمان مجاهدین خلق)
- ۳- شهادت مفیدی و عباسی و مطبوعات رژیم .

www.KetabFarsi.com

(طرح اعدام طاهری مزدور)

بیان مجاهد شهید محمد مفیدی



www.KetabFarsi.com

چرا طاهری اعدام شد؟

بنام خدا و بنام خلق قهرمان ایران

چرا طاهری اعدام شد؟

صبحگاه روز یکشنبه ۲۲ مرداد ماه در ساعت ۱۰ و ۱۰ دقیقه
حکم دادگاه انقلابی خلق در مورد مرتیب سعید طاهری
جلاد - توسط یک گروه از مجاهدین به مورد اجرا
گذاشته شد. بعد از اجرای حکم سلاح کمری و کلاه نظامی
طاهری خائن و قاتل صادره شد و مجاهدین به سلامت
به پایگاه خود بازگشتند.

طاهری که بود؟ پاسداری منافع چه کسانی را
بگردن داشت؟ دستها و چکمه هایش بخون چه
کسانی آغشته بود؟

۹ سال از قیام خونین ۱۵ خرداد ۴۲ میگذرد. همه در
آن روز خونین سرهنگ دوم طاهری پلیس و آدکس
را دیدند که با اتفاق سایر چکمه پوشان مزدور و در رأس همه
آنها مردم بی گناه را بی محابا هدف رگبار گلوله قرار -
میداد. در آن روز خونین طاهری قاتل شکمها درید
دست و پاها شکست. خونها ریخت و داغ های سوزنده

بر دل خلق ما گذاشت • خانواده های پیشماری را داغدار
 و بی سرپرست کرد • و بیاس همه این سفاکیها بود که طاهری
 بدرجه سرهنگی ارتقاء پیدا کرد • در آن روز خونین نیمه
 خرداد تنها مردم توانستند يك درفش در پشت او فروکنند
 که بعد از ساعتی مجدداً با خنسی زیبا دتر و کف برآوردند
 دوباره بمیدان آمد و انتقام يك درفش را با دهها کشته
 گرفت • جنایتهای این قاتل را هیچکس از یاد نبرد و همه
 این سفاکیها از نگاههای پرنفرت و انتقام مردم دورنساند
 هیچکس کشتار بیرحمانه مردم کفن پوش و آیین را بدست
 این قاتل حرفه ای و این سگ مزدور - در روزهای نیمه
 خرداد ۴۲ - از یاد نخواهد برد •

طاهری را هم در نقش جلاد چکه پوز خباثنهاى تهران
 در روزهای خونین خرداد ۴۲ و هم در نقش سگ وحشی
 پاسدار منافع سرمایه داران غارتگر و وابسته داخلی و خارجی
 در حمله به کارگران بهنگاه کارخانه جیب و جهان چیت دیدیم
 همان طاهری قاتل که براحتی آب خوردن صد هانفر را در
 در خرداد خونین بگلوله بست - بسرعت يك چشم بهمسزدن
 اعتراض آرام و مظلومانه کارگران بهنگاه جهان چیت را که
 بخاطر تقاضای افسز این ناچیزی پردست مزد خود صورت
 گرفته بود حوالی کاروانسرا سنگی در راه کرج بارگبار مسلسل
 به خاک و خون کشید و دهها خانواده فقیر و فرزندان
 آنها را بی سرپرست گذاشت •

طاهری فانیسل همان کسی بود که با ضربت چکمه هایش
 چهارچوب منزل آیت الله خمینی را درهم شکست و مرجع
 صلحانان را با صارت برد و همیشه بر این گستاخی و لیدین
 می‌الهد . طاهری قاتل همان کسی بود که در مقام فرما-
 ندهی گارد وحشی شهرستانی و پلیس ضد اغتشاش با حمله
 به دانشگاه صنعتی صحن دانشگاه را از خون دانشجویان
 آزادی خواه گلگون کرد و همان روز در شکنجه گاه شهرستانی
 آنها را بشلاق و شکنجه بست .

طاهری همان کسی بود که در حطّات مکرر بد دانشگاه
 تهران در راه سنگهای تریپت شده اش - کماندوهای گارد
 شهرستانی - محوطه دانشگاه را دور میزد و با باتوم و گاز -
 اشک آور و کلاه خود و سپر، دانشجویان آزاد پخواه
 را بخاک و خون کشید . هیچکس چهره طاهری جنای
 بدست را در حطه بد دانشگاه تهران و صنعتی از یاد نبرده
 است . هنوز بیشترهای او در مورد دختران قهرمان
 دانشجو و وحشیگیرهایش علیه سایر دانشجویان قهرمان
 دانشگاه در خاطره ها باقی است . و این همسفاکسی
 بدست طاهری انجام گرفت که صدری قاتل و نهاد
 از او بعنوان افسری " مؤدب " " شجاع " و
 " نمونه " یاد میکنند و از افسران پلیس میخواهد که راه
 و شخصیت او را سرنق خود فرار دهند .

..... پس انجام طاهری قاتل همان کسی بود که در
 مقام فرماندهی پلیس ضد اغتشاش و گارد شهرستانی سالها

سرکوبی آزاد پهلوانان پرداخت • همه بهادارانند که
چگونه این قاتل تظاهرات ضد اسرائیلی را در مونسجاساهاقت
ایران و اسرائیل سرکوب کرد و عده زیادی را مجروح و -
زندانی ساخت •

دو سال پیش طاهری قاتل بمبارانت پلیس تهران رسید و
سه مرتبه است زندانها و شکنجه گاههای شهرستانی با و محول
شد و از سال ۵۰ تا ۱۲۰۰ در ستاد فرماندهی کمیته مشترک ساواک
شهرستانی - ارتش با اسم کمیته تحقیق ضد خرابکاری طوسی
مدت کوتاهی دهها تن از فرزندان طهران و دلاور خلوقرا
بعد از ماهها شکنجه و حشمانه و حیوانی بقتل رسانیدند •
اوشتها از شکنجه و قتل انقلابیون لذت میبرد بلکه از شکنجه
پدر و مادر بهر انقلابیون نیز خود داری نمیکرد • کافسی
بود که همکاران زیر دستش تنها ذره ای در اعمال شکنجه و
آزار نسبت به مردم بیگناه و انقلابیون سستی به خرج دهند
تا مواجه با خشم فرمانده قاتل خود شوند • بهاس همه
این سفاکیها و جنایتها بود که در هفته پیش بد رجه مرتضی
رسید • طاهری قاتل همانطور که صد ری قاتل هم گفت
واقعا شوکری خند منگزار بود که همه عمر و نیروی
خود را همسانه در خدمت اربابانشر و شکنجه و قتل
عام انقلابیون بکار گرفته بود • او نه تنها در تعقیب
و سرکوب انقلابیون شخصا شرکت میکرد بلکه حتی در -
زندان و شکنجه گاه هم يك دم از کینه سوزی و جلادیش
علیه انقلابیون دلاور دست برنمیداشت •

چرا زخم جنایت پیشه از هیچیک از مشاغل این قاتل و
 جنایی حربه ای نام نبرد ؟ آیا او تنها یک افسر ساده
 شهرتانی بود ؟ آیا تنها افسر بودن او موجب کفر
 او شد ؟ مگر ما با هراسی بدون اینکه واقعا خیانتش
 مسلم شود کینه شخصی داریم . بارها اعلام کرده ایم
 که ما تنها سینه هائی را هدف گلوله قرار میدهیم که
 سینه های ما را هدف قرار دهد .
 درجائی که صد ری قاتل که هرگز شهادت ظاهرش
 در میان مردم را ندارد و هر روز دهها نفر او را محاکمت
 میکنند - از افسران و کارکنان پلیس میخواهد که حس
 انتقامجوی خودشان را باج برسانند و از حیات و خونش
 برای حفظ منافع دینار فاسد و غارتگران -
 خارجی و داخلی مایه بگذارند . این دیگر مرسوم
 بخود پلیس است که به سرانجام خدمت به ضد انقلاب و
 خیانت بانقلاب و به مردم فکر کنند و باین سرانجام
 خونین بیندیشند . درجائیکه کارگزاران رژیم جنایت پیشه
 و غارتگر کوشش میکنند که با تهدید و تطمیع و پاداش بفر
 خیانت دامن بزنند و ترس از خیانت و شرم از خیانت را از
 میان بپسند و خائنین و خود فروشان و وطن فروشان را
 بخیانت وادارند و بخدمت و نوکری خود در آورند . کفر
 خائنین در راس کارهای ما قرار خواهد داشت .
 مرگ طاهری قاتل این سنگ پاسدار منافق غارتگران
 دشمنان خلق را در مانی ترس آلود فروبرد . مرگ

طبا هری قاتل همچون فرسیوی قاتل به دشمنان
 قسم خورده خلق نشان داد که هر جا و هر زمان از کیفر
 خونینی که در انتظار آنهاست جان سالم بهدر
 نخواهند برد . مرگ این سرکردگان خائن و
 قاتل همداری است برای هر کس و در هر مقام که فکر
 خیانت و ضربه زدن به انقلاب و انقلاب بیسوی را در سر
 مهروراند . همداری است بهر کس که چه از روی
 رذالت و سرمهردگی و چه از روی سودجویی
 و مقام خواهی و چه از روی نادانی و حماقت
 در خدمت ضد انقلاب به انقلاب خلق خیانت میکنند .

مرگ پر خائنین و عقال قاتل رژیم آلت فعلیهای
 ضفر امیرالبنام .

جماهد باد خاطره شهیدای قهرمان
 بهروز باد انقلاب سملحانه خلق ایران

((مجاهدین خلق ایران))

۵۱/۵/۲۲

دو خرابکار تیر باران شدند



محمد مفیدی



محمد باقر عباسی

پذیرفته میشوند و خانه های امنی تهیه کرده فعالیت خود را شدت می بخشند.

★ تمرین در بیابانها

این عده در بیابانهای اتابک «مسگرآباد» و سلیمانیه درزمینه ساختن «کوکتل مولوتف» و بمب های اشتعالی و انفجاری آزمایش هایی انجام میدهند و پس از تکمیل این آزمایشها و تمرین های لازم وارد عمل میگرددند. ابتدا محمدباقر عباسی بمبی در ساختمان روزنامه آیندگان قرار میدهد که این بمب عمل نمیکند.

پس محمد مفیدی دو بمب را که شخصا تهیه کرده بود در انجمنهای فرهنگی ایران و آمریکا و ایران و انگلستان قرار میدهد که هر دو به موقع منفجر میشوند و خرابی بیار می آورند همچنین قرار بود بمبی جنب سینما کاپری گذارده شود که در جریان کار گذاردن آن سعید صفار که عامل این کار بود کشته شد.

دو نفر از خرابکاران بنام محمد مفیدی و محمدباقر عباسی که بجرم قتل سرلشکر طاهری و یک سلسله اعمال خرابکارانه باعدام محکوم شده بودند، تیرباران شدند.

محمدباقر عباسی که سحرگاه تیرباران شد ۵ سال پیش پس از آزادی از زندان با احمد رضائی که عضو گروه بااصطلاح «مجاهدین خلق» بود همکاری خود را آغاز کرد. محمدباقر عباسی بوسیله احمد رضائی با مفیدی آشنا گردید و پس از چند جلسه ملاقات در مسگرآباد به تعریفات چریکی مبادرت کرد.

در همین اثناء بهرام آرام رابط گروه مورد بحث بسا سیاسی و مفیدی در زمینه عضویت این دو و عده ای دیگر در گروه بااصطلاح «مجاهدین خلق» مذاکره میکند و سرانجام محمد مفیدی، محمدباقر عباسی و سه تن دیگر که از نظر خرابکاری استعداد بیشتری داشتند بعضویت گروه مزبور

قتل سرانشگر طاهری

بامداد روز ۲۲ مرداد ماه محمد مفیدی با پوشیدن لباس رنگکاران ساختمان و در دست گرفتن قلممو و سطل رنگ به اتفاق سپاسی که لباس عادی به تن داشت و مسلح بود با یک موتورسیکلت هوندای قرمز رنگ به حوالی منزل تیمسار فقید سرانشگر سعید طاهری می‌رود. مفیدی در آن موقع به دو سلاح کمری غیرمجاز مسلح بوده است. این دو تن پس از رسیدن به حوالی خانه تیمسار طاهری با خریدن نان خود را سرگرم و مردم را از توجه به غیر عادی بودن وضع خود منحرف می‌کنند. آنها که در کمین تیمسار طاهری بودند پس از خروج وی از خانه به او نزدیک میشوند و از پشت سر تیراندازی مینمایند. پس از اینکه تیمسار طاهری به زمین می‌افتد مفیدی دو تیردیگر هم به جسد وی شلیک میکند و سپس یکی از آنان کلاه و دیگری طیانچه مرحوم تیمسار طاهری را برداشته و با موتورسیکلت فرار میکنند.

قتل پاسبان

این دو خرابکار بعد از ظهر همان روز به منظور رد کردن اشیاء مسروقه به رابط در حوالی آبهنگل قرار می‌گذارند و در آنجا محمد باقر عباسی و یک نفر دیگر بنام خوشدل را می‌بینند و پس از مذاکراتی چون رابط نمی‌آید، محمد مفیدی و محمد باقر عباسی از سپاسی و خوشدل جدا می‌شوند و در حالیکه مفیدی مشغول توضیح عمل صبح خود بود با محمد باقر عباسی وارد خیابان ادیب‌العمالک میشوند.

در این هنگام پاسبان حیدریان‌باین دو نفر ظنن میشود و قصد بازرسی مفیدی را میکند که وی پیشدستی کرده و تیری به شکم پاسبان مزبور شلیک مینماید و محمد باقر عباسی سلاح پاسبان مزبور را برمی‌دارد.

قتل و هرح عابرین

هرکدام در جهتی پا به فرار می‌گذارند ولی مردم وطن پرست که ناظر اعمال خائنانه این دو جنایتکار

بودند بدون اسلحه به تعقیبشان می‌پردازند که محمد مفیدی بسوی آنان تیراندازی میکند در این تیراندازی حسین درویشیان که

قصد دستگیری مفیدی را داشته کشته و رضا احمدی و یکدانش آموز ۱۲ ساله مجروح میشوند و خرابکاران به فرار خود ادامه می‌دهند ولی مردم با وجود تیراندازی آنان به تعقیبشان ادامه می‌دهند. محمد باقر عباسی با اینکه در حال فرار به تیراندازی ادامه می‌دهد معذک بر اثر فداکاری مردم و همکاری صمیمانه آنها با ماموران دستگیر می‌شود و در بازرسی بدنی، ۲ نارنجک و همچنین سلاح مسروقه‌ای از وی بدست می‌آید.

این خرابکار در تحقیقات به جریان امر اعتراف کرده و همکاران خود را معرفی می‌نماید و در بازرسی از محل مسکونی وی و محمد مفیدی، یک قبضه سلاح کمری توپی دار بزرگ، ۱۸ فشنگ و ۲ بمب پلاستیکی آماده انفجار، ۲ پاشنی الکتریکی، یک لوله دینامیت و تعدادی کتاب و جزوات مربوط به جنگ‌های چریکی بدست می‌آید.

قرص‌های سیانور

ماموران با کوشش و پیگیری قابل ملاحظه‌ای در صدد دستگیری محمد مفیدی بر می‌آیند و وی را یک ماه بعد (۲۲ شهریور امسال) در حالیکه یک شیشه قرص سیانور همراه داشت دستگیر می‌کنند و با انجام تحقیقات لازم از دستگیر شدگان روشن می‌شود که آنان از باقی‌مانده دسته به اصطلاح نهضت آزادی، هستند که اعضای این دسته در زمینه تهیه اسلحه و مهمات و مواد منفجره از خارج و داخل کشور، ربودن هواپیمای ۶ نفر زندانیان ایرانی، اعزام افراد بخارج از کشور، به منظور آموزش دوره چریکی در اردوگاه‌های سازمان الفتح، شناسائی اماکن دولتی

باقر عباسی پس از سیر مراحل قانونی بدادگاه تجدیدنظر شماره ۲ تهران احاله شد و به موجب رای صادره با توجه به اعمال ارتكابی، این دو خرابکار به کیفر اعدام محکوم می گردند که حکم صادره سحرگاه امروز به موقع اجرا گذارده شد

محمد باقر عباسی در سال ۱۳۴۴ با اتهام اقدام علیه امنیت کشور به ۳ سال حبس محکوم شد که بعداً مورد عفو ملوکانه قرار گرفته و آزاد شده بود

جهت ایجاد خرابکاری در جریان برگزاری جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی، انفجار اتمبیل های پلیس و ارتش، موسسات ملی و دولتی، پاسگاه های پلیس، شعب فروشگاه های تعاونی کارکنان نیروهای مسلح شاهنشاهی، فروشگاههای کوروش و فردوسی و بعضی اماکن عمومی فعالیتها، خرابکاریهایی کرده و عموماً دستگیر و مجازات شده اند.

محاكمه و اعدام

یرونده محمد مفیدی و محمد

www.KetabFarsi.com

P.O. BOX 4485

SPRINGFIELD, MO. 65804

بها برابر ۰۰ ریال

۱۳۵۴ ماه